

## حرف حساب



### صنعت بازی به تولید ادبیات نیاز دارد

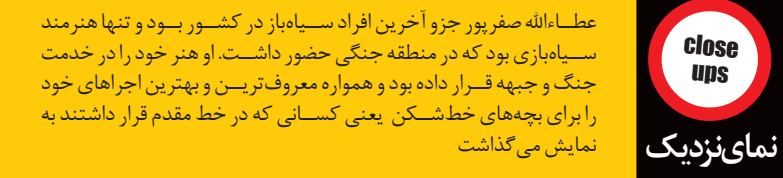
■ مسعود حسینی / دبیر ستاد فناوری‌های نرم معاونت علمی ریاست جمهوری

منابعی که ما به صنعت گیم و بازی اختصاص می‌دهیم، منابع چندان قابل قبولی نیست، اما برای شروع بد نیست. این امر برای رشد شرکت‌های نوپاست. همچنین مسئله صنعت گیم از چند سطح قابل بررسی است که می‌توان به مواردی چون اکوسیستم صنعت گیم حاکمیت و زیرساخت‌های مالی اشاره کرد. مدت‌هاست که ما در مسیر اصلاحاتی در صنعت گیم هستیم. کاملاً درست است توجهی که ساختار حاکمیت به فیلم، تصویر و صدا می‌کند یا بازی‌های رایانه‌ای غیرقابل مقایسه است، در حالی که بازی‌های رایانه‌ای گردش مالی بسیاری در جهان دارند و چندین برابر فیلم و تصویر است. متأسفانه در داخل کشور توجهی به صنعت گیم نیست و نهادهای متولی صنعت گیم باید ادبیات مناسبی را بسازند تا این صنعت مورد توجه قرار بگیرد. مسئله صنعت گیم تا زمانی که اکوسیستم مالی با ابزارهای مختلف برای حمایت از بازی‌سازان وجود نداشته باشد، مشکلاتش حل نخواهد شد. اقداماتی که باید در این مسیر انجام داد، این است که شرکت‌های بازی‌سازی را معرفی کنیم تا بتوانند منابع مالی دریافت کنند و در جهت توسعه مورد حمایت قرار بگیرند. ما باید شرکت‌های پیشران حوزه بازی‌ها را به عنوان شرکت دانش‌بنیان قوی کنیم، متأسفانه در این حوزه با ضعف‌هایی روبه‌رو هستیم. همچنین ما در بحث کپی‌رایت مشکلاتی داریم که همه اینها باید حل شود. شرکت‌های خوب بازی‌سازی را شاه‌های هستیم، اما کپی‌رایت سبب می‌شود تا آنها با بازی‌های رایگان چند صد میلیونی رقابت کنند که این رقابت بسیار ناعادلانه است.

## گزارش

به بهانه چاپ کتاب «من هم دلم گریه می‌خواست»

# بهترین اجراهای صفرپور برای بچه‌های خط‌شکن بود



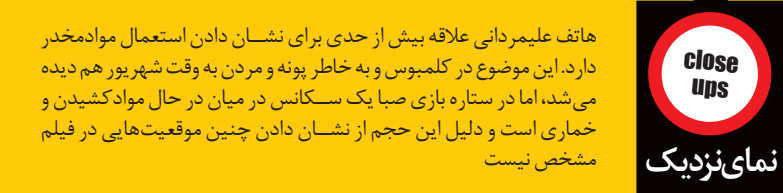
عطاءالله صفرپور جزو آخرین افراد سیاه‌باز در کشور بود و تنها هنرمند سیاه‌بازی بود که در منطقه جنگی حضور داشت. او هنر خود را در خدمت جنگ و جبهه قرار داده بود و همواره معروف‌ترین و بهترین اجراهای خود را برای بچه‌های خط‌شکن یعنی کسانی که در خط مقدم قرار داشتند به نمایش می‌گذاشت

هنر خود را در خدمت جنگ و جبهه قرار داده بود و همواره معروف‌ترین و بهترین اجراهای خود را برای بچه‌های خط‌شکن یعنی کسانی که در خط مقدم قرار داشتند به نمایش می‌گذاشت. خط‌شکنان همان از جان‌گذشتگان و پیش‌قراولان جنگ هستند که پیش از هر کسی خودشان را برای شهادت آماده کرده‌اند. هدف صفرپور از حضور در مناطق جنگی، استفاده از هنر و تخصص برای خدمت به رزمندگان بود و او با هنرش به رزمندگان خدمت می‌کرد. چون احساس می‌کرد بهترین خدمت به این رزمنده‌ها حفظ روحیه و ایجاد حال خوب در بین آنهاست. نویسنده کتاب «من هم دلم گریه می‌خواست» در توضیح شخصیت صفرپور اضافه می‌کند: «من برای اینکه شخصیت صفرپور را تشریح کنم، باید شما را به یکی از گفته‌های همسرش راجع بدهم. همسرش می‌گفت او همواره سعی می‌کرد دیگران را بخنداند و این را وظیفه خود می‌دانست. به طوری که گاهی احساس می‌کرد من نیستم که با او زندگی می‌کنم، بلکه هر جا هر کسی که نیاز به انرژی و روحیه داشت، می‌رفت و به او

روحیه می‌داد.»

او در پاسخ به این سؤال که چرا اسم کتاب «من هم دلم گریه می‌خواست» انتخاب شده است، می‌افزاید: «صفرپور در جایی جمله‌ای دارد که می‌گوید، من تمام عمرم مردم را خندانده‌ام، اما یکی نمی‌آمد من را بخنداند و من حتی نتوانستم، گریه کنم، چراکه وقتی خبر بدی هم به گوشم می‌رسید، من باید گریه می‌کردم، وظیفه‌ام این بود که مردم را بخنداند. او همیشه می‌گفت من یک روز از خدا خواستم که من هم بتوانم گریه کنم.» شاه‌محمدی در پایان به هنر جنگ با دشمنان اشاره کرد و اظهار می‌کند: «هنر فقط تولید یک اثر نیست، بلکه خوب جنگیدن هم می‌تواند یک هنر باشد. بزرگ‌ترین حسن یک فرمانده در جبهه‌های جنگ حفظ روحیات جوانمردانه و هنر رزم است که به آن مجهز است. هنر جنگ این است که اگر حمله یا تجاوزی صورت گرفت شما بتوانید در تپ یا گردان در دل دشمن نفوذ کنید و معادلات را به نفع کشور تغییر دهید. این هنر، هنر جنگیدن است که خود یک هنر مهم و تأثیرگذار است.»

## «ستاره بازی» لابه لای قصه‌های مبهم



هاتف علیمردانی علاقه بیش از حدی برای نشان دادن استعمال موادمخدر دارد. این موضوع در کلمبوس و به خاطر پونه و مردن به وقت شهرپور هم دیده می‌شد، اما در ستاره بازی صبا یک سسکانس در میان در حال مواد کشیدن و خماری است و دلیل این حجم از نشان دادن چنین موقعیت‌هایی در فیلم مشخص نیست

پونه و مردن به وقت شهرپور هم دیده می‌شد، اما در ستاره بازی صبا یک سسکانس در میان در حال مواد کشیدن و خماری است و دلیل این حجم از نشان دادن چنین موقعیت‌هایی در فیلم مشخص نیست. اساساً فیلم به دنبال چیست؟ کارگردان می‌خواهد بگوید مهاجرت به امریکا از طریق لاتاری باعث می‌شود بچه در کودکی کارش به بیمارستان بکشد و در آینده معتاد شود؟ اینکه چرا احوال با شاهین از دواج می‌کند، معلوم نمی‌شود، اما بی‌چرنت بودن کارگردان در اینکه شاهین حتماً باید ایرانی باشد، متعاند کننده نیست شاید دلیلش سرمایه‌گذار فیلم باشد یا بحث اقامت فیلمساز اما اینجا بی‌غیرت تر است. ستاره بازی نمی‌تواند در کارنامه هنری علیمردانی گلمی رو به جلو محسوب شود، آثاری که او می‌سازد بیشتر به تجربه‌های شخصی شباهت دارد.

■ «من هم دلم گریه می‌خواست» نام یکی از تازه‌های نشر انتشارات سوره مهر است که در دفتر فرهنگ و مطالعات یادداری استان گلستان و به قلم حجت شاه‌محمدی تهیه شده است. کتاب به موضوع حضور گروه نمایش‌های کمدی استان گلستان در جبهه‌های جنگ تحمیلی اشاره دارد. این گروه به سرپرستی عطاءالله صفرپور بازیگر سیاه‌باز فقید اهل گرگان راهی مناطق جنگی می‌شوند و با اجراهای طنزآلود برای رزمندگان اسلام روحیه‌ای مضاعف به آنها می‌بخشیدند. شاه‌محمدی در مقدمه کتاب برای مخاطب بازگو می‌کند که چطور ریسمان اولیه نگارش کتاب به دست او افتاده و چگونه با مرگ ناگهانی عطاءالله صفرپور او مجبور می‌شود از مسیرهای دیگری کتاب را به پایان برساند.

■ شاه‌محمدی درباره کلیت کتاب می‌گوید: «کتاب از دو بخش تشکیل شده است: بخش اول با نام «سیر زندگی از تولد تا مرگ» به زندگینامه عطاءالله صفرپور هنرمند سیاه‌باز فقید گرگانی می‌پردازد. بخش دوم با عنوان «جی‌جک‌علیشاه در جبهه‌های جنگ تحمیلی» به حضور سیاه‌بازان گرگانی در میدان جنگ و در میان رزمندگان اسلام اشاره دارد.

■ شاه‌محمدی در ادامه با اشاره به اینکه هنر روحی و سیاه‌باز: «عطاءالله صفرپور جزو آخرین افراد سیاه‌باز در کشور بود و تنها هنرمند سیاه‌بازی بود که در منطقه جنگی حضور داشت، او

## نقدفیلم

■ افشین علیار ستاره‌بازی در ادامه فیلم قبلی هاتف علیمردانی یعنی کلمبوس ساخته شده است. نه اینکه قسمت دوم آن باشد، بلکه مضمون ستاره بازی بی‌شباهت به کلمبوس نیست، در آن فیلم شخصیت‌ها قصد مهاجرت داشتند. ضمن اینکه فرهاد اصلانی و شبنم مقدمی هم در آن فیلم بازی می‌کردند، حالا در ستاره بازی کل فیلم در امریکا می‌گذرد و انگار که فرهاد اصلانی و شبنم مقدمی همان دو شخصیت کلمبوسند که حالا در امریکا سکونت دارند.

■ هاتف علیمردانی کوشیده باز هم فیلمی درباره خانواده بسازد. برخی فیلم‌های قبلی او مثل به خاطر پونه، آبجان، کوچی به نام که مهم‌ترین آثارش محسوب می‌شوند شکل و شمبلی از کانونی بودن خانواده و نقش آن به چشم می‌خورد، اما در دواثر آخر علیمردانی خانواده تبدیل به عنصر کلیشه‌ای شده است. در کلمبوس که همه چیز به شوخی و سخیف بودن می‌گذشت و در ستاره بازی هم گسست یک خانواده را می‌بینیم. اینکه یک خانواده ایرانی چگونه در امریکا از هم فاصله می‌گیرند، آنچه در ستاره بازی احساس می‌شود شکل‌نگرفتن گره‌افکنی منسجم است، یعنی فیلم درباره دختر جوان خانواده است، دختری که از کودکی با آسیب‌هایی مختلفی بزرگ شده است و حالا به اعتیاد رو آورده و روز به روز رفتارش غیر قابل تحمل می‌شود، از نظر مضمون و شکل‌گیری داستان با فیلمی مواجهیم که مواد لازم برای شکل‌گیری یک اتفاق دراماتیک را ندارد اگر چه جغرافیای فیلم فرق می‌کند، اما اتفاقاتی که در فیلم رخ می‌دهد، تکراری است و شاید شبیه به فیلم خون بازی رخشان بنی اعتماد باشد. دختری گرفتار اعتیاد است و اینجا با پدرش زندگی می‌کند. اعتیاد صبا باعث شده پدر در غیاب مادر زندگی سختی را بگذراند، اما آن چیزی که برای مخاطب قابل فهم نیست عدم کنشگرایی فیلم است، اینکه فیلم در مقاطع گوناگون نمی‌تواند مخاطب را در گیر خط روایی کند، بنابراین ستاره بازی به هیچ وجه نمی‌تواند از دقیقه ۱۵ به بعد برای مخاطب جذاب باشد. در واقع ناسازگاری صبا و اتفاقاتی که پیش می‌آید، نمی‌تواند مخاطب را در گیر کند. اینکه ناسازگاری صبا در ادامه با همدستی دوستش بیشتر می‌شود، نکته‌ای برای شکل‌گیری یا روند درام ایجاد نمی‌کند. هاتف علیمردانی علاقه بیش از حدی برای نشان دادن استعمال موادمخدر دارد. این موضوع در کلمبوس و به خاطر

## سینما



### علی انصاریان با «هولیا» در سینماها

فیلم سینمایی «هولیا» با بازی مرحوم علی انصاریان راهی اکران در سینماها شده است.

بیش از دو سال از درگذشت مشکوک علی انصاریان در بیمارستان می‌گذرد و همچنان فیلم‌های اکران نشده‌ای از او باقی‌مانده است. این بازیکن سابق فوتبال که در مقطعی سراغ بازیگری و اجرا هم رفته بود در سال‌های ۹۹-۱۳۹۸ در فیلم‌ها و سریال‌های زیادی بازی کرد که بیشتر آنها پس از درگذشتش به نمایش رسیدند. یکی از فیلم‌های اکران نشده او «هولیا» به کارگردانی مرتضی آتش‌مزم است که تابستان سال ۱۳۹۹ کلید خورد. این کمدی فانتزی با بازی پوریا پورسرخ، محمدرضا هدایتی، علی انصاریان، مریم امیرجلال، محمد فیلی، افشین سنگ‌چاپ، مجید شهرپاری، شیوا خسرومهر، شراره رخام و هولیا دیکن (بازیگر ترکیه‌ای) ساخته شده است. در معرفی داستان این فیلم آمده است: «در ایران پدر و مادرها به بچه‌هاشون اجازه هر کاری را نمی‌دهند، ولی همیشه نوع داستانش فرق داره» «هولیا» از چهارشنبه هفته پیش در سینماهای کشور روی پرده رفته است.

## گیشه



### شکست «ستون ۱۴» در گیشه

علاقه بر خشی‌ها به فیلمسازی طی سال‌های اخیر در ایران موضوعی در حال رشد است، اما مسئله اصلی ناتوانی این افراد در خلق فیلم‌هایی است که از حداقل‌های کیفیت برخوردار باشند.

تهیه‌کننده فیلم «ستون ۱۴» درباره اینکه ثبت فروش کمتر از ۴۰۰ میلیون تومان برای این فیلم در گیشه را چگونه ارزیابی می‌کند به مهر می‌گوید: «از نظر اقتصادی قطعاً این فروش یک شکست است. قطعاً در این شرایط یک فیلم باید هفت تا ۱۰ میلیارد تومان در گیشه فروش داشته باشد تا بتواند از شکست اقتصادی خود جلوگیری کند.»

این تهیه‌کننده اما شکست در گیشه فیلم را اینگونه توجیه می‌کند: «من البته از منظر سینمایی این تجربه را شکست نمی‌دانم. من پیش از این فیلم «روزهای نارنجی» از آرش لاهوتی را تهیه کرده بودم که آن فیلم هم در شرایط کرونا، فروش بسیار پایینی در سینماها داشت، اما هم‌زمان ۲۳ جایزه بین‌المللی هم گرفته بود. این پروژه‌ها از منظر مسائل مالی و اقتصادی شکست خورده‌اند، اما از نظر کارنامه تهیه‌کنندگی‌ام آنها را شکست نمی‌دانم، چراکه فیلم‌های بد نساخته است.» علیرضا قاسم‌خان درباره استفاده از رانت برای ساخت فیلم توضیح می‌دهد: «اگر فیلم را دیده باشید، رگه‌هایی از استعداد کارگردانی این فیلمساز جوان را در آن دیدید!»

## فراصو



در گیشه‌های سراسر دنیا

### شاهرخ خان با «جوان» ۱۰۰ میلیون دلاری شد

فروش فیلم جدید شاهرخ خان با عنوان «جوان» یا «سرباز» در گیشه‌های جهانی از مرز ۱۰۰ میلیون دلار فراتر رفت.

فیلم سینمایی «جوان» محصول کشور هند تاکنون ۱۰۲ میلیون دلار در سراسر جهان فروخته شده و فروشش در هند برابر ۶۸/۵ میلیون دلار بوده است. «جوان» تا به این جای اکرانش پس از «باتان» فیلم دیگر شاهرخ خان قرار می‌گیرد که ژانویه اکران شد و با ۱۲۰ میلیون دلار کارش را به پایان برد تا عنوان دومین فیلم پرفروش هندی سال را کسب کند. براساس آمار باکس آفیس، «جوان» با فروش ۱۷/۷ میلیون دلار سومین فیلم پرفروش دنیا در آخر هفته اخیر بود و «راهبه ۲» با فروش ۴/۸ میلیون دلار و «شکار در ونیز» با ۳۷/۲ میلیون دلار رتبه‌های اول و دوم را به خود اختصاص دادند.

«جوان» به کارگردانی آتلی با حضور شاهرخ خان در نقشی دوگانه به عنوان پدر و پسر می‌گردد که قصد اصلاح فساد در جامعه هند را دارد. از ۷ سپتامبر اکران شد و با فروش روز نخست رکورد روز افتتاحیه بلیوود را که متعلق به خود خان بود، شکست. این فیلم دومین فیلم پرفروش دنیا در آخر هفته پیش بود. اما به طرز ی باورنکردنی هنوز کار این بازیگر در سال جاری تمام نشده و او «دانگی» از کارگردان راجکومار هیرانی را هم در دست اکران دارد که قرار است کریسمس راهی سینماها شود.



### حضور احمد نجفی در سریال نامیرا

احمد نجفی بازیگر باسابقه سینما و تلویزیون درباره تازه‌ترین فعالیت‌های خود سخن به میان آورده است.

۱ «شور عشق» یکی از پروژه‌های سینمایی‌ام است و دیگری هم سریال «نامیرا» است که ان‌شاء‌الله آبان ماه کلید می‌خورد.

۲ «صندلی داغ» دوره‌اش تمام شده است و حالا باید فکرهای تازه‌ای ارائه کرد. گاهی متوجه می‌شوم مردم آقای «صندلی داغ» یا آقای «کارآگاه علوی» خطاب می‌کنند و اسم خودم را به یاد نمی‌آورند (می‌خندد) به خصوص شهرستان‌ها که می‌روم کاملاً آن را به یاد دارند و هنوز هم به خوبی از آن یاد می‌کنند.

۳ آقای جلیلی رئیس سازمان صداوسیما خیلی از ایده تولید سری سوم کارآگاه علوی استقبال کرده‌اند و حتی پیشنهاد آن را هم مطرح کرده‌اند، اما معتقدم «کارآگاه علوی» را با ۱۱ سال تأخیر نمی‌توان دوباره دنبال کرد. باید فکرهای جدیدتری داشته باشیم و کاراکترهای دیگری را به متن اضافه کرد که حتی آنها محور داستان باشند و کارآگاه علوی در حاشیه داستان حضور داشته باشد.

۴ درباره خاطره گل گرفتسن در «خانه سینما» باید بگویم اگر زمان به عقب بازگردد صددرصد همان کار را می‌کنم. حتی هزار درصد آن زمان حتی می‌شنیدم که برخی می‌گفتند، نجفی چرا اسم فیلمش را گذاشته «من یک ایرانی‌ام»؟ یعنی آنقدر فیلم‌های منفی ساخته بودند که نمی‌خواستند چیزی به نام ایران و پرچم ایران در فیلم‌ها مطرح شود. به همین دلیل معتقدم با نیت‌های خاص آن فیلم را نباید کردند.